

## پیش‌خواران

## لا

نظر و گذری بر «خاطرات دکتر شمس‌الدین مجابی»

## واگویه دور‌های طولانی از تاریخ معاصر ایران

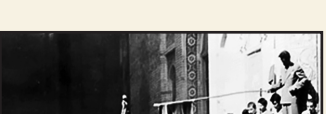
■ شاهد توحیدی



خاطرات زنده‌یاد دکتر شمس‌الدین مجابی در عداد کتب حوزه تاریخ شفاهی است که مرکز اسناد انقلاب اسلامی به تهیه و انتشار آن مبادرت ورزیده است. این اثر از جنبه‌های

گونگون مزایایی دارد که در یادداشت کوتاه تازم‌ای ناشر بدان اشارت رفته است. در بخش‌هایی از آن می‌نویسیم: «در تدوین و ناشر تاریخ انقلاب اسلامی سه دسته منابع مورد نیاز است: نخست اسناد و منابع مکتوب و غیر مکتوب (صوتی و تصویری) که مستندات این انقلاب عظیم به‌شمار می‌روند. دوم خاطرات و یادداشت‌های افراد و شخصیت‌های دست‌اندرکار انقلاب در گویاسازی و شرح و بسط ابعاد و زوایای تاریخ انقلاب اسلامی و سوم منابع کتابخانه‌ای که محقق نیازمند مراجعه به آن می‌باشد. مرکز اسناد انقلاب اسلامی به این منابع و مآخذ تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی کرده است. از جمله این خاطرات، یادمان‌های دکتر سیدشمس‌الدین مجابی است که در نوع خود ویژگی‌ها و شیوه‌های خاصی دارد که آن را از سایر خاطرات مشخص می‌سازد. خاطرات دکتر شمس‌الدین مجابی ناگفته‌های بسیاری از حوادث تاریخ معاصر ایران را روایت می‌کند که در منابع دیگر به این دقت و صراحت یافت نمی‌شود.

بخشی از این حوادث در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۶ روی داده است که با آزادی راوی از زندان خاتمه می‌یابد. بخش مهم خاطرات ایشان به وقایع اتفاق افتاده در پاریس می‌پردازد. در این بخش فعالیت‌های دانشجویان ایرانی اعم از چپ



نویسنده، هربرت ساموئل فرانارد یهودی – انگلیسی و رئیس خاندان روچیلد دست به تلاش‌ی مضاعف زدند. در این میان علمای ایران و جهان اسلام از مدت‌ها قبل خطر صهیونیسم را در یافتند و به مسلمانان و مردم فلسطین در این‌باره هشدار دادند. از نخستین روزهای اشغال سرزمین فلسطین به دست صهیونیست‌ها و اخراج مسلمانان یا پشتوانه دولت‌های غربی، علمای شیعه به دفاع از فلسطینیان پرداخته و از مبارزه این مردم سست‌میده برای به دست آوردن حقوق از دست رفته‌خود جانبداری کردند. در گفت‌و شنودی پی آمده، محمدحسن رجبی دوانی تاریخ پژوه معاصر به تبیین واکنش علما در مواجهه با صهیونیسم و اشغال فلسطین پرداخته است. امید که پژوهشگران را مفید و مقبول آید.

■ **مریم صادقی بری**

پس از برگزاری کنفرانس بال سوئیس و اراده خاتم‌های برجسته صهیونیست، مبنی بر تشکیل دولت یهود و سپس تصمیم آنها برای تسخیر همه جهان و حکمرانی بر گونیم‌ها (غیر یهودیانی که یهود آنها را در خدمت خود می‌پندارد)، افراد خاصی در میان صهیونیست‌ها مثل تئودور هر تزل نویسنده، هربرت ساموئل فرانارد یهودی – انگلیسی و رئیس خاندان روچیلد دست به تلاش‌ی مضاعف زدند. در این میان علمای ایران و جهان اسلام از مدت‌ها قبل خطر صهیونیسم را در یافتند و به مسلمانان و مردم فلسطین در این‌باره هشدار دادند. از نخستین روزهای اشغال سرزمین فلسطین به دست صهیونیست‌ها و اخراج مسلمانان یا پشتوانه دولت‌های غربی، علمای شیعه به دفاع از فلسطینیان پرداخته و از مبارزه این مردم سست‌میده برای به دست آوردن حقوق از دست رفته‌خود جانبداری کردند. در گفت‌و شنودی پی آمده، محمدحسن رجبی دوانی تاریخ پژوه معاصر به تبیین واکنش علما در مواجهه با صهیونیسم و اشغال فلسطین پرداخته است. امید که پژوهشگران را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■
**اولین بار حزب صهیونیست در ایران در چه مقطعی اعلام موجودیت کرد و عکس‌العمل حکومت وقت در قبال آن چه بود؟**

اولین بار حزب صهیونیت یا صهیونیسم، در فروردین ۱۳۰۰ و تقریباً کمتر از یک ماه بعد از کودتای آسند ۱۲۹۹، در ایران اعلام موجودیت کرد. سپس اسانسمه حزب رب به دولت دادند که تصویب آن مدتی به طول انجامید. پس از تأیید دولت، شععی از این حزب در شهرهای دیگر تأسیس شد. برای نمونه حزب جوانان صهیونیسم یا صهیونیت در همان سال در همدان اعلام موجودیت کرد. بعد از اعلام تأسیس حزب در ایران، این رویداد با واکنش‌هایی از سوی مردم، جریان‌های فکری – سیاسی و تشکل‌ها مواجه شد. نخستین واکنش در مهر ۱۳۰۰، یعنی شش ماه بعد از تأسیس حزب صهیونیسم در ایران مربوط به «هیئت علمیه تهران» است که متشکل از گروهی از علمای برجسته شهر تهران است. این هیئت نسبت به انتشار یک مقاله که یک نفر در آن عنوان کرده بود، فلسطین و قدس باید یهودی‌سازی و مسکن و مأوی یهودیان شود،

## عاریخ

تاریخ ۶۰۰۸۵۲۳



«یجاد رژیم اسرائیل و واکنش علمای شیعه در ایران و عراق» در گفت‌و شنود با محمدحسن رجبی دوانی

## فدائیان اسلام از ۵هزار نفر

## برای جنگ با اسرائیل ثبت‌نام کرد!

به شدت اعتراض کرد و از دولت خواست تا نویسنده

این مقاله را دستگیر و محاکمه کند. طبق اسناد منتشره از شهربانی کشور در سال ۱۳۰۸ش و در زمان سلطنت رضاشاه، کنسولگری‌های انگلستان در رشت، مشهد و کرمانشاه به گردآوری و سازماندهی یهودیان ایران و همچنین عراق و ترکمنستان می‌پرداختند و یهودیان را به فلسطین اعزام می‌کردند. این گزارش‌ها را شهربانی این شهرها به شهربانی کل کشور می‌دادند و ظاهراً حرکتی بوده که شهربانی کل در جریان آن نبوده و شهربانی شهرستان‌ها از فعالیت آنها پرده برداشته است.

■ **عکس‌العمل علما و مردم در قبال این رویداد چه بود؟**

نخستین اعلامیه‌ای که هیئت علمیه تهران منتشر کرد، مربوط به آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری در سال ۱۳۱۲ش است. این واکنش پس از اینکه مفتی اعظم فلسطین، نامه‌ای به آیت‌الله حائری نوشت و از مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین ابراز نگرانی کرد، ابراز شد. آیت‌الله حائری در آن خبرها احساس کرد که مهاجرت یهودیان به فلسطین به مسلمانان آسیب می‌رساند. هم از این روی برای دفاع از مردم فلسطین، دست به کار شد و در دی ۱۳۱۲، از سوی آیت‌الله سیدمحمد بهبهانی نامه‌ای برای رضاشاه ارسال کرد و از او خواست که از مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین جلوگیری کند. بخش‌هایی از آن نامه به این قرار است: «امروزه مسلمین در این هجوم یهود به فلسطین و بیت‌المقدس، مستغیث به آن یگانه حامی است و چشم همگی به الطاف خاصه ملو‌کانه است. امید به اعانت پروردگار (جل و علا)، این غائله مهم با توجهات خاصه مرتفع، موجب مزید دعاگویی این ضعیف و عامه مسلمین شود. الاحقر عبدالکریم حائری»

بعد از این جریان و در سال ۱۳۱۵ش، دو تن از علمای برجسته در عراق – که یکی از آنها ایرانی و دیگری عرب بود– به نام‌های آیت‌الله شیخ عبدالکریم زنجانی و آیت‌الله شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء به فلسطین، سوریه و مصر مسافرت کردندو خطر مهاجرت یهودیان را برای مجامع مسلمان عرب متذکر شدند. کاشف‌الغطاء خطابه‌ای بلند و تاریخی در «گردهمایی عمومی اسلامی در قدس»، در تأیید تقریب بین مذاهب اسلامی خواند. وی با سخنرانی مؤثر خود دربارهٔ علل انحطاط مسلمانان و ضرورت برهیز از دوگانگی

و خطر جنبش نوین صهیونیست‌ها برای تسلط بر جهان اسلام سخن گفت. این خطابه به اندازه‌ای در دل‌های حاضران نشست که نماز جماعت را با حضور بیش از ۲۰ هزار نفر به امامت وی به جا آوردند! شیخ عبدالکریم زنجانی هم در بیت‌المقدس سخنرانی‌ی ایراد کرد و همه مسلمانان و اعراب را به اتحاد علیه اسرائیل تشویق کرد. وی با تیزیبیتی خطر مهاجرت یهودیان به فلسطین به عنوان میهمانان ناخوانده به آنان گوشزد کرد و یادآور شد که اینان در صورت تسلط بر مردم، میزبانان را از خانه بیرون خواهند کرد!او هشدار داد که دوسوه‌های دولت بریتانیا برای مشارکت و زیست مسالمت‌آمیز یهودیان با مسلمانان و تشکیل دولت مشترک، فریبی بیش نیست و مردم باید از آغاز راه را بر خطر ببندند. شیخ عبدالکریم زنجانی در تل اوپو و در جمع یهودیان سخنرانی مهیجی کرد و به آنها گفت: شما بازی آمریکا را خورده‌اید و این مهاجرت به نفع شما نیست!ظاهر این علما دو بار به فلسطین سفر کردند، اما با وقوع جنگ جهانی دوم و به دلیل ناامن بودن سفر به فلسطین، در مسافرت مجدد آنان به این کشور وقفه به وجود آمد.

■ **پس از وقوع جنگ جهانی دوم فعالیت آژانس یهود در ایران به چه صورت انجام می‌گرفت؟**

با وقوع جنگ جهانی دوم، در مهاجرت یهودیان به سرزمین فلسطین وقفه‌ای ایجاد شد، اما بعد از جنگ می‌بینیم که دفاتر آژانس یهود<sup>۱</sup> در ایران، بسیار فعال می‌شود. طبق اسناد منتشر شده ۱۸ دفتر متعلق به این آژانس در ایران فعالیت می‌کردند. عمده فعالیت آنها در سازماندهی یهودیان ایران واعزام آنها به ایجاد آشوب و بلوا در شهرهای مختلف کشور کردند. اگر تاریخ این دوران مطالعه شود، می‌بینیم در شهرها و روستاهای کشور مرتب از نزاع بین بهائیان و مسلمانان سخن می‌رود. مرحوم آیت‌الله حاج‌احق حسین بروجردی در دیدارهای متعددی که با شاه

فرستادند.

**واکنش‌های علما و مجامع مذهبی به این روند، چگونه و در چه قالب‌هایی ابراز شد؟**

برای اینکه فعالیت‌های آژانس یهود از چشم علما و مردم ایران پنهان بماند، آنها از طریق بهائیان شروع به ایجاد آشوب و بلوا در شهرهای مختلف کشور کردند. اگر تاریخ این دوران مطالعه شود، می‌بینیم در شهرها و روستاهای کشور مرتب از نزاع بین بهائیان و مسلمانان سخن می‌رود. مرحوم آیت‌الله حاج‌احق حسین بروجردی در دیدارهای متعددی که با شاه



۱۳۳۱ شهیدان سید مجتبی نواب صفوی سیدعبدالحسین واحمدی و خلیل‌طه‌ماسی

## د

روزنامه جوان | شماره ۶۸۹۶

## ۹ جوان

کرد و به عنوان واکنش به این اقدام، خلیج فارس را خلیج عربی نامید و بعد از آن سایر کشورهای اسلامی نیز از آن تأسی کردند و این نام تاریخی را به خلیج عربی تغییر دادند!از طرف دیگر علمای الاژهر تحت فشار دولت وقت مصر یا مستقلا و همچنین مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالکریم زنجانی نامه‌هایی را به آیت‌الله بروجردی نوشتند و از ایشان خواستند که دولت وقت ایران شناسایی دوقفکتوی دولت اسرائیل را پس بگیرد. آیت‌الله بروجردی صدرا‌الاشراف را – که رئیس مجلس سنا بود– به قم دعوت کرد و از او نسبت به این اقدام رژیم شاه توضیح خواست. صدرا‌الاشراف به رسمیت شناختن رژیم اشغالگر قدس را انکار کرد! آیت‌الله بروجردی عین پاسخ صدرا‌الاشراف را برای شیخ عبدالکریم زنجانی و علمای الاژهر ارسال کرد که البته برای آنها قانع‌کننده نبود! چند ماه بعد نیز آیت‌الله بروجردی در گذشت، با درگذشت آیت‌الله بروجردی، از تباط رژیم پهلوی با صهیونیست‌ها وسیع تر شد تا جایی که پس از زلزله شدیدی که در بوئین زهرا در حوالی قزوین روی داد، کارشناسان اسرائیل به ایران آمدند و اقداماتی را در آن منطقه انجام دادند که با واکنش منفی مردم روبه‌رو شد.

■ **چه وقایعی موجب شد که مردم ایران، مخالفت بسا رژیم پهلوسوی را بابت ایجاد ار تباط گسترده با حکومت اسرائیل علنی کنند؟**

در تابستان یا پاییز ۱۳۳۵ش، پس از آنکه جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر، کانال سوئز را ملی اعلام کرد، دولت اسرائیل، انگلستان و فرانسه به این کشور حمله کردند که با اخطار دولت شوروی و آمریکا مواجه شدند. آیت‌الله بروجردی به همین مناسبت دروس حوزه را تعطیل کرد. گذشت از تباط شاه با رژیم اسرائیل، واکنش شدید امام خمینی و سخنرانی معروف ایشان در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ را در پی داشت. امام‌راحل، شاه به‌بهائیت را دست‌نشانده رژیم اشغالگر قدس دانست و پرسید: «چه نسبتی بین شاه و رژیم اسرائیل وجود دارد که شهربانی کشور از وعاظ التزام می‌گیرد که نگویید اسلام در خطر است و نسبت به اسرائیل و شاه بد نگویید…؟». امام ادامه دادند: «همه اختلافات ما بر سر این سه موضوع است و اگر نسبت به این مسائل صحبت نکنیم، باید چه چیز بگویم؟…». ایشان در این سخنرانی به یک معنا پیوستگی دربار با رژیم صهیونیستی را نشان دادند. بعد از تبعید امام خمینی از کشور و عدم واکنش لازم از سوی گروه‌ها و شخصیت‌های داخل، روابط ایران و اسرائیل روز به روز گسترده‌تر شد. برخی از یهودیان برآی اینکه بتوانند فعالیت بیشتری در ایران داشته باشند، بهایی شدند! رژیم جعلی اسرائیل و دولت‌های آمریکا و انگلیس، نمایندگان تجاری خود را از طریق یهودیان و بهائیان انتخاب می‌کردند، چنانچه رشته‌های مختلف اقتصاد در دست آنان بود. در این دوره بهائیان ایران به دلیل بسترهای مساعد پیشین و ظرفیت‌های به وجود آمده از تباط وسیع و گسترده‌ای را با اسرائیل برقرار کردند تا جایی که نهضای این فرقه در ایران و سپس از شکست کشورهای عربی از اسرائیل در سال ۱۳۴۶ش، آشکارا جشن بر گزار و شامهانی خود را ابراز می‌کردند. در مقابل علما و مراجع عالی در عراق در جنگ سوم رژیم اشغالگر قدس یا به یک معنا جنگ دوم با صهیون اعلامیه‌هایی خواستار کمک مردم به دولت‌های عربی درگیر جنگ شدند. این اعلامیه‌ها در کتب اسناد آمده است.

در سال ۱۳۵۲ش – که سومین یا چهارمین جنگ بین اعراب و اسرائیل اتفاق افتاد – مراجع شیعه مسکن در ایران و عراق، همدردی خود را با دولت‌ها و ملت‌های عرب داخل جنگ اعلام و خواستار هرگونه کمک به آنان شدند. امام خمینی با صدور پیامی به دول و ملل اسلامی، همه را به جهاد همه جانبه فاطحی و به دور از اختلافات، علیه اسرائیل فراخواندند و آنها را از فروش نفت به اسرائیل بر حذر داشتند. اینگونه رویکردها همچنان تا پیروزی انقلاب اسلامی وجود داشت و نگاه عمده عالمان، مجامع و جریانات شیعی به شاه به عنوان مهییمان اسرائیل کماکان منفی بود. جالب اینجاست با نخستین حرکت‌هایی که در سال ۱۳۵۶ش علیه رژیم پهلوی آغاز شد پیش از همه رژیم جعلی اسرائیل تکران شد. نخستین شخصیت‌های شیعی که از خطر سقوط رژیم پهلوی اعلام نگرانی کرد، سفیر وقت اسرائیل در ایران یعنی منیر غدزی بود که پیش‌بینی‌اش نیز درست از آب در آمد!بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، موشه دایان یکی از شخصیت‌های برجسته اسرائیل که در گذشته وزیر جنگ این رژیم جعلی بود، اعلام کرد: «انقلاب اسلامی ایران زلزله بسیار بزرگی در خاورمیانه است…».

■ **با تشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.**

■ **پی نوشت:**

۱ – *آژانس یهود «سخنوت» در آستانه جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۱ هـ.ش در ایران تأسیس شد و نقش مهمی در سازماندهی و ساماندهی یهودیان فراری لهستانی داشته است. دو یهودی معروف و ثروتمند ایرانی: عزیزالقائیان و دکتر حبیب‌لوی، نقش مهمی در تأسیس این آژانس در ایران به عهده داشتند. این آژانس در سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ پس بسیاری از یهودیان عراقی را هم به فلسطین اشغالی منتقل کرد. بر اساس اسناد وزارت امور خارجه، این آژانس در مهاجرت یهودیان کردستان ایران و عراق (از طریق ترکیه) به فلسطین اشغالی نقش به‌سزایی داشته است. این آژانس تا سال ۱۳۴۴ ش توانست ۴۵ هزار تن از یهودیان ایرانی را به فلسطین اشغالی انتقال دهد.*